



بررسی نقش گویش‌ها در بازتاب و انتقال میراث فرهنگی و تاریخی اقوام: مطالعه موردی شهر نهاوند

The Role of Dialects in Reflecting and Transmitting the Cultural and Historical Heritage of Ethnic Groups: A Case Study of Nahavand

Maryam Keshvari^۱ ✉

^۱ PhD Candidate in Linguistics, Department of English Language and Linguistics, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Corresponding author: maryam.keshvari@iau.ac.ir

مریم کشوری^۱ ✉

^۱ دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، گروه زبان انگلیسی و زبان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. نویسنده مسئول:
maryam.keshvari@iau.ac.ir

چکیده

گویش‌ها به‌عنوان بخشی از میراث ناملموس فرهنگی، نقشی اساسی در حفظ هویت قومی و تاریخی جوامع محلی دارند. با این حال، مدرن‌سازی، گسترش رسانه‌های فراگیر و مهاجرت طی دهه‌های اخیر موجب تضعیف و کاهش تدریجی بسیاری از گویش‌های بومی شده است. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و بر اساس مشاهده میدانی و مصاحبه با ۲۰۰ گویشور، به بررسی نقش گویش‌ها در بازتاب و انتقال عناصر فرهنگی و تاریخی اقوام و چالش‌های حفظ گویش نهاوندی می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد کاهش انتقال بین‌نسلی، نگرش منفی برخی خانواده‌ها نسبت به کاربرد گویش در محیط‌های رسمی، کمبود منابع مکتوب و پژوهشی و تأثیر رسانه‌های فارسی‌محور، مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده این گویش‌اند. داده‌ها همچنین نشان می‌دهند که بسیاری از واژگان، اصطلاحات و ساختارهای نحوی گویش نهاوندی بازتاب‌دهنده تاریخ، معیشت و روابط فرهنگی جوامع محلی هستند. حفظ این گویش، با توجه به موقعیت منطقه و پیشینه تاریخی آن، علاوه بر پاسداشت تنوع زبانی، برای تداوم هویت فرهنگی، انتقال دانش بومی و تقویت همبستگی اجتماعی ضروری است. پژوهش، آموزش غیررسمی، مستندسازی علمی، تولید محتوای رسانه‌ای محلی و تقویت نقش خانواده در انتقال بین‌نسلی را از راهکارهای مؤثر برای صیانت از این گویش پیشنهاد می‌کند.

اطلاعات مقاله

تاریخ‌ها

دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۱
پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۵

واژگان کلیدی

گویش
هویت ملی و قومی
میراث فرهنگی
نهاوند
انتقال گویش

Abstract: Dialects, as an integral component of intangible cultural heritage, play a vital role in preserving the ethnic and historical identity of local communities. However, modernization, mass media, and migration have contributed to the gradual decline of many indigenous dialects. Using a descriptive-analytical approach based on field observations and interviews with 200 speakers, this study examines the role of dialects in reflecting and transmitting cultural and historical elements, with particular emphasis on the preservation of the Nahavandi dialect. The findings indicate that declining intergenerational transmission, negative attitudes among some families toward its use in formal settings, limited written and scholarly resources, and the influence of Persian-dominated media are the principal threats to its survival. The data further show that many lexical items, expressions, and syntactic structures of Nahavandi reflect the history, livelihoods, and cultural relations of local communities. Preserving the dialect is therefore essential not only for safeguarding linguistic diversity but also for maintaining cultural identity, transmitting indigenous knowledge, and strengthening social cohesion. The study recommends informal education, systematic documentation, local media production, and greater family involvement in intergenerational transmission as effective preservation strategies.

History

Received: July 02, 2025
Accepted: Sep. 06, 2025

Keywords

Dialect
National and Ethnic
Identity
Cultural Heritage
Nahavand
Dialect Transmission

۱. مقدمه

زبان، پدیده‌ای پویا و چندوجهی است که در بستر زمان و مکان، متأثر از عوامل فرهنگی، تاریخی و اجتماعی شکل می‌گیرد. در درون هر زبان، گویش‌ها به‌عنوان شاخه‌ها و گونه‌های زبانی متنوع، بازتاب‌دهنده تفاوت‌های جغرافیایی، قومی و فرهنگی جوامع هستند. گویش‌ها نه تنها وسیله‌ای برای ارتباط روزمره، بلکه حامل بخش مهمی از هویت و میراث ناملموس فرهنگی اقوام به‌شمار می‌آیند. با وجود اهمیت گویش‌ها در شناخت ریشه‌ها و تحولات فرهنگی، در دهه‌های اخیر به سبب گسترش رسانه‌های جمعی، شهرنشینی و فشار زبان‌های معیار، بسیاری از گویش‌های محلی در معرض فراموشی و زوال قرار گرفته‌اند. این روند، نه تنها به تضعیف تنوع زبانی، بلکه به از دست رفتن بخش‌هایی از حافظه فرهنگی و تاریخی ملت‌ها منجر می‌شود. پژوهش حاضر با هدف تحلیل نقش گویش‌ها در بازتاب و انتقال عناصر فرهنگی و تاریخی، بر آن است تا نشان دهد که چگونه ساختار واژگانی، نحوی و معنایی گویش‌ها می‌تواند حاوی نشانه‌هایی از جهان‌بینی، سنت‌ها، باورها و شیوه‌های زیست مردمان یک سرزمین باشد. اهمیت این پژوهش در آن است که باتکیه بر داده‌های زبانی و فرهنگی، به فهم عمیق‌تر رابطه میان زبان و فرهنگ کمک می‌کند و لزوم حفظ و مستندسازی گویش‌های محلی را به‌عنوان بخشی از هویت فرهنگی جامعه یادآور می‌شود.

شهر نهاوند، واقع در استان همدان، با پیشینه تاریخی و فرهنگی غنی و همچنین تنوع قومی (لر، کرد، ترک، فارس) و طبقات اجتماعی متنوع، بستری مناسب برای مطالعه این پدیده فراهم کرده است. در نهاوند، هم شکاف طبقاتی و هم گرایش‌های فرهنگی-مذهبی در استفاده از گویش خاص منطقه نقش ایفا می‌کنند. شهر نهاوند متأثر از نقش پررنگ فرهنگ بومی به نظر نویسنده مورد خوبی برای مطالعه می‌باشد. هدف از این پژوهش کمک به حفظ گویش نهاوندی است. نهاوند دارای قدمت است و ضرورت دارد گویش این منطقه حفظ شود زیرا قسمتی از تاریخ ایران در این شهرستان خفته است.

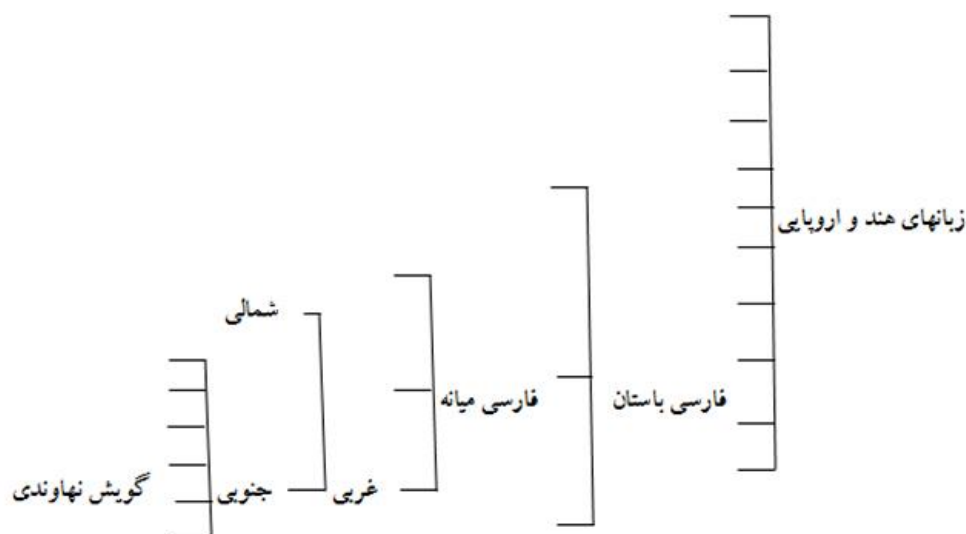
شهرستان نهاوند در جنوب غربی استان همدان و در دامنه‌های شمالی کوهستان گرین قرار دارد. این شهرستان از شمال به تویسرکان و همدان، از شرق به ملایر، از غرب به کنگاور و از جنوب به استان لرستان محدود می‌شود. نهاوند در منطقه‌ای کوهستانی واقع شده و دارای آب و هوای سردسیر است. مساحت نهاوند ۱۵۳۵ کیلومترمربع و جمعیت آن حدود ۱۸۰ هزار نفر می‌باشد.

زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی که به مرور زمان تحول و تکامل یافتند را می‌توان به دسته تقسیم کرد، زبان‌های ایرانی کهن، زبان‌های ایرانی میانه، زبان‌های ایرانی کنونی. زبان‌های ایرانی کهن و میانه، امروزه اصلاً رایج نیستند و تنها بر اساس مدارکی که از آن‌ها به‌جای مانده است، شناخته می‌شوند (رضایی باغبیدی، ۱۳۸۸: ۱۶۱). زبان‌های ایرانی کهن دارای دو شاخه عمده است، یکی «فارسی باستان» و دیگری «اوستایی». فارسی میانه که آن را «پهلوی» نیز می‌نامند، زبان رسمی ایران در دوره ساسانی بوده و فارسی کنونی در واقع دنباله آن است در بررسی‌های دقیق‌تر مشاهده می‌شود که لهجه‌های غرب ایران و از جمله «گویش نهاوندی» از زبان‌ها و لهجه‌های جنوبی فارسی میانه‌اند، که مهم‌ترین آن‌ها، فارسی است. زبان فارسی کنونی در واقع پس از ظهور اسلام آغاز شده و نخستین آثاری که در آن زمان نوشته شده‌اند، نشان می‌دهند که بر اثر تحولی که با ظهور اسلام و ورود آن به ایران در زبان پدید آمد و خط عربی جایگزین خط پهلوی شد و همچنین تأثیر زبان عربی بر زبان فارسی، گونه نوینی از فارسی به وجود آمد که آن را «فارسی نو» می‌نامند (رضایی باغبیدی، ۱۳۸۸: ۱۶۱).

خلاصه آن که گویش نهاوندی از لهجه‌های غرب ایران و از شاخه‌های زبان‌ها و لهجه‌های فارسی است. در مورد گویش نهاوندی از دیدگاه علمی و زبان‌شناسی، باید دانست که شباهت این گویش به بخشی از شاخه غربی زبان فارسی میانه یعنی زبان مرکزی ایران بسیار بیشتر از شباهت آن به گویش‌ها و زبان‌های دیگر نقاط — حتی همجوار آن —

است. زبان مرکزی زبانی است که در ناحیه مرکزی ایران رایج بوده و ادامه آن هنوز هم از حوالی قم و تهران تا شرق تهران به نحوی رواج دارد (رستمی، ۱۳۸۸: ۳۸).

از بررسی تاریخی در شهرهای مشهور (همدان و مهرجان فذق که بسیمره است، قم، ماه‌بصره، ماه کوفه و کرمانشاهان) به پهلوی و زبان‌ها و گویش‌های رایج در این مناطق چنین دانسته می‌شود که نخست، نهاوند جزء ایالات مهم و معتبر این دوران بوده و دوم این‌که این شهر دارای زبان و گویشی مشخص و مشهور — از گونه‌ای پهلوی برگرفته از فارسی میانه — بوده است و سوم، گویش امروزی نهاوندی بازمانده گویشی مستقل و قابل تأمل است که بررسی و ثبت و ضبط آن را ایجاب می‌کند.



شکل ۱: نمودار خویشاوندی زبانی گویش نهاوندی

حسن‌دوست (۱۳۹۲) در تقسیم‌بندی گویش‌های ایرانی، گویش نهاوندی را در گروه گویش‌های جنوب‌غربی ایرانی نو قرار می‌دهد. این گویش از گویش‌های فارسی‌تبار مناطق غرب ایران است که در شهرستان نهاوند و نواحی پیرامون آن رواج دارد. نهاوندی از نظر تاریخی به شاخه جنوب‌غربی زبان‌های ایرانی تعلق دارد و مانند دیگر گویش‌های این گروه، ویژگی‌هایی از فارسی میانه و فارسی نو را در ساخت آوایی، واژگانی و دستوری خود حفظ کرده است. با وجود تأثیرپذیری از زبان فارسی معیار، این گویش همچنان برخی ویژگی‌های کهن‌تر زبان‌های ایرانی، مانند تفاوت‌های صرفی و واژگان بومی، را در خود نگه داشته است. مطالعه گویش نهاوندی از این جهت اهمیت دارد که نشان‌دهنده روند تحول زبان‌های ایرانی از دوره‌های گذشته تا دوره معاصر است.

به منظور صورت‌بندی دقیق پژوهش دو پرسش به شرح زیر مطرح می‌شوند:

۱. در یک بافت قدیمی و دارای قدمت طولانی (نهاوند) آیا خانواده‌ها تمایل به استفاده از گویش خاص منطقه را دارند؟

۲. تمایل افراد به استفاده از گویش نهاوندی چگونه است؟

در ادامه مقاله به این پرسش‌ها پاسخ داده خواهد شد و تمایل یا عدم تمایل استفاده از گویش نهاوندی مورد بحث قرار می‌گیرد.

۲. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

مطالعات پیشین در حوزه گویش‌شناسی و ارتباط آن با فرهنگ و تاریخ نشان می‌دهد که گویش‌ها نقش بنیادینی در بازتاب هویت فرهنگی، اجتماعی و تاریخی جوامع ایفا می‌کنند. در رویکردهای کلاسیک زبان‌شناسی، ساپیر و ورف^۱ (۱۹۲۰-۱۹۳۰) در طرح فرضیه نسبیت زبانی، استدلال کردند که زبان نه تنها ابزار انتقال معنا، بلکه چارچوبی برای شکل‌دهی به ادراک و تفکر انسان است. بر اساس این دیدگاه، ساختارهای زبانی بازتاب‌دهنده نظام ارزشی، جهان‌بینی و تجربه تاریخی گویشوران هستند. بنابراین، تغییرات زبانی می‌تواند نشانگر تحولات فرهنگی و اجتماعی باشد.

در ادامه این جریان فکری، مطالعات جامعه‌شناسی زبان نشان داد که تنوع گویشی ارتباط مستقیمی با متغیرهای اجتماعی دارد. لباو^۲ (۱۹۷۲) در پژوهش‌های خود در حوزه گویش‌شناسی اجتماعی اثبات کرد که تفاوت‌های زبانی با عواملی چون طبقه اجتماعی، سن، جنسیت و موقعیت جغرافیایی همبستگی دارد. یافته‌های او نشان داد که گویش‌ها تنها تفاوت‌های زبانی نیستند، بلکه ساختارهای اجتماعی و فرهنگی را نیز بازنمایی می‌کنند.

همچنین ترادگیل^۳ (۲۰۰۰) با بررسی تغییرات زبانی در جوامع شهری بیان می‌کند که تحرک اجتماعی و شهرنشینی موجب تضعیف برخی گویش‌های محلی و تقویت گونه‌های معیار می‌شود. این مسئله در بسیاری از جوامع چندزبانه، از جمله ایران، نیز مشاهده می‌شود.

از منظر هویت فرهنگی، ترادگیل (۱۹۹۱) زبان را «سرمایه نمادین»^۴ می‌داند که در ساختار قدرت اجتماعی توزیع می‌شود. بر اساس این نظریه، گونه‌های زبانی رسمی^۵ از مشروعیت اجتماعی بیشتری برخوردارند، در حالی که گویش‌های محلی ممکن است در ساختار رسمی کم‌ارزش تلقی شوند؛ امری که می‌تواند بر نگرش گویشوران نسبت به زبان مادری تأثیر بگذارد.

در حوزه حفظ زبان‌های محلی، فیشرمن^۶ (۱۹۹۱) انتقال بین‌نسلی را مهم‌ترین عامل بقای زبان‌ها معرفی می‌کند. اگر گویش در محیط خانواده به نسل بعد منتقل نشود، فرآیند زوال آن تسریع خواهد شد. این دیدگاه با یافته‌های کریستال^۷ (۲۰۰۰) همسو است. او رسانه‌های غالب و نظام آموزشی رسمی را از عوامل اصلی مرگ زبان‌ها می‌داند.

در سطح سیاست‌گذاری فرهنگی، کنوانسیون (۲۰۰۳) سازمان یونسکو^۸، زبان‌ها و گویش‌ها را بخشی از میراث فرهنگی ناملموس معرفی کرده و بر ضرورت مستندسازی و حفاظت از آن‌ها تأکید می‌کند. اطلس زبان‌های در معرض خطر یونسکو^۹ (۲۰۱۱) نیز نشان می‌دهد که کاهش انتقال بین‌نسلی مهم‌ترین عامل تهدید گویش‌های محلی در جهان است.

در ایران، پژوهش‌های گویش‌شناختی متعددی به بررسی تنوع زبانی مناطق مختلف پرداخته‌اند. مطالعات تطبیقی گویش‌های شمال، جنوب، شرق و غرب کشور نشان داده‌اند که هر گویش حامل واژگان، اصطلاحات و ساختارهایی است که بازتاب‌دهنده شیوه‌های معیشتی، نظام خویشاوندی، آیین‌ها و تعاملات تاریخی آن منطقه است. بررسی وام‌واژه‌ها و اصطلاحات بومی نیز نشان می‌دهد که گویش‌ها همچون بایگانی زنده‌ای از تعاملات فرهنگی و تاریخی عمل می‌کنند.

¹ E. Sapir and B. L. Whorf

² W. Labov

³ P. Trudgill

⁴ linguistic symbolic capital

⁵ formal language varieties

⁶ J. A. Fishman

⁷ D. Crystal

⁸ Convention for the Safeguarding of the Intangible Cultural Heritage

⁹ Atlas of the World's Languages in Danger

در مجموع، پیشینه پژوهش بیانگر آن است که مطالعه گویش‌ها فراتر از تحلیل صرف زبان بوده و پیوندی عمیق با تاریخ، فرهنگ، ساختار اجتماعی و هویت جمعی دارد.

این پژوهش بر سه محور نظری استوار است: نظریه انتقال بین‌نسلی (فیشمن، ۱۹۹۱)، نظریه سرمایه نمادین زبان (بورديو، ۱۹۹۱) و رویکرد میراث ناملموس یونسکو (۲۰۰۳). نظریه انتقال بین نسلی که توسط فیشمن (۱۹۹۱) ارائه شده است، بر نقش خانواده و جامعه در انتقال زبان از یک نسل به نسل دیگر تأکید دارد. از دیدگاه وی، بقای یک زبان یا گویش، زمانی تضمین می‌شود که کودکان آن را از والدین و اطرافیان خود بیاموزند و در زندگی روزمره به کار ببرند. اگر این فرایند انتقال متوقف شود، زبان یا گویش به تدریج در معرض فراموشی و نابودی قرار می‌گیرد. در این پژوهش، از این نظریه برای بررسی میزان انتقال گویش نهانوندی میان نسل‌های مختلف استفاده می‌شود. پژوهش به عواملی مانند نقش خانواده، مدرسه، رسانه‌ها و تغییرات اجتماعی در تداوم یا تضعیف این انتقال می‌پردازد. در نظریه سرمایه نمادین زبان، بورديو (۱۹۹۱) زبان را تنها وسیله‌ای برای برقراری ارتباط نمی‌داند، بلکه آن را نوعی «سرمایه نمادین» می‌شمارد. منظور از سرمایه نمادین این است که برخی زبان‌ها یا گویش‌ها در جامعه از اعتبار، منزلت و ارزش اجتماعی بیشتری برخوردارند و همین موضوع بر جایگاه اجتماعی گویشوران آن‌ها تأثیر می‌گذارد. این نظریه کمک می‌کند تا مشخص شود گویش نهانوندی در جامعه چه جایگاهی دارد، مردم تا چه اندازه به آن افتخار می‌کنند یا از به کار بردن آن اجتناب می‌کنند، و چگونه نگرش‌های اجتماعی بر حفظ یا تضعیف این گویش اثر می‌گذارد. در رویکرد میراث فرهنگی ناملموس بر اساس کنوانسیون یونسکو درباره حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس (۲۰۰۳)، زبان‌ها و گویش‌ها از مهم‌ترین ابزارهای انتقال میراث فرهنگی هستند. این میراث شامل سنت‌ها، آیین‌ها، داستان‌ها، ضرب‌المثل‌ها، موسیقی، دانش بومی و سایر عناصر فرهنگی است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند. در این پژوهش، گویش نهانوندی به عنوان بخشی از میراث فرهنگی ناملموس منطقه در نظر گرفته می‌شود. هدف، بررسی نقش این گویش در حفظ فرهنگ محلی، انتقال دانش بومی و تقویت هویت فرهنگی مردم نهاوند است.

بر اساس این چارچوب، پژوهشگر گویش نهانوندی را به عنوان ابزار انتقال دانش بومی، نشانگر هویت فرهنگی و بخشی از سرمایه نمادین اجتماعی تجزیه و تحلیل می‌کند. در این پژوهش، با استفاده از سه نظریه فوق به عنوان چارچوب مفهومی، ابعاد مختلف گویش نهانوندی بررسی می‌شود و به این ترتیب، ترکیب این سه چارچوب نظری امکان بررسی جامع گویش نهانوندی را از جنبه‌های زبانی، اجتماعی و فرهنگی فراهم می‌کند.

۳. روش پژوهش

نوع پژوهش این مطالعه از نوع کیفی با رویکرد توصیفی-تحلیلی است که با بهره‌گیری از داده‌های میدانی، به تحلیل زبان‌شناختی و انتقال میراث زبانی در منطقه پرداخته شده است. جامعه آماری پژوهش شامل ۲۰۰ نفر گویشور نهانوندی در سن‌های مختلف است و داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه و شرکت در جمع این گویشوران جمع‌آوری شده است. نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای انجام شده تا تنوع طبقاتی و قومی تا حد امکان پوشش داده شود. در انتخاب نمونه‌ها، دردسترس بودن مهم‌ترین ویژگی در نظر گرفته شده است. این ویژگی در انجام تحلیل مستندتر به نگارنده کمک کرده است. چهار معیار انتخاب نمونه‌ها شامل موارد زیر هستند:

- تسلط نسبی به گویش نهانوندی
- سکونت حداقل ۱۰ سال در شهر
- تمایل به مشارکت در مصاحبه
- تعلق به گروه‌های سنی مختلف (برای بررسی انتقال بین‌نسلی)

نگارنده برای استناد کردن تحلیل‌ها از معیار انتخابی خود معیارهای دیگری را نیز همچون میزان استفاده از گویش در محیط‌های مختلف، نگرش نسبت به کاربرد گویش، واژگان در حال فراموشی، نقش خانواده در انتقال گویش، کارکرد گویش در آیین‌ها و سنت‌ها در نظر گرفته است. محیط‌های مورد مطالعه از مکان‌های مختلفی انتخاب شده‌اند و استفاده از گویش نه‌آلودی در محفل‌های مختلف جهت راستی‌آزمایی استفاده یا عدم استفاده نیز مورد بررسی قرار گرفته است. این محیط‌ها عبارتند از: بازار، محافل خانوادگی، مراسم سنتی و فضاهای عمومی مانند پارک.

۴. تحلیل داده‌ها

در این بخش داده‌های پژوهش که حاصل از مصاحبه با ۲۰۰ گویشور بومی شهر نهاوند است، تحلیل می‌شوند. تحلیل داده‌ها در دو بخش توصیفی (کمی) و تحلیلی (کیفی) ارائه شده است. از روش آماری SPSS برای درصد فراوانی یافته‌ها کمک گرفته شده است.

جدول ۱: میزان استفاده از گویش نه‌آلودی در محیط‌های مختلف

محیط استفاده	فراوانی	درصد
در خانواده	۱۶۲	۸۱٪
در جمع دوستان	۱۴۰	۷۰٪
در محیط کاری	۷۸	۳۹٪
در محیط‌های رسمی	۳۲	۱۶٪

بیشترین کاربرد گویش در محیط خانواده مشاهده می‌شود. این یافته نشان می‌دهد که خانواده همچنان مهم‌ترین بستر انتقال گویش است. نظریه انتقال بین‌نسلی زبان که توسط (فیشمن، ۱۹۹۱) مطرح شد، بر این اصل تأکید دارد که بقای یک زبان به انتقال آن از والدین به فرزندان در محیط خانواده وابسته است. وی معتقد است که اگر کودکان یک جامعه زبان مادری را به‌عنوان زبان اصلی خود نیاموزند، آن زبان به‌تدریج دچار زوال خواهد شد. از این رو، خانواده مهم‌ترین نهاد در حفظ و احیای زبان‌های در معرض خطر به‌شمار می‌رود (فیشمن، ۱۹۹۱). نتایج پژوهش حاضر نیز این نظریه را تأیید می‌کند؛ زیرا بیشترین میزان استفاده از گویش نه‌آلودی در محیط خانواده مشاهده می‌شود. از این یافته می‌توان به این نتیجه رسید که افراد در محفل خانواده به لحاظ داشتن امنیت و آرامش به زبان مادری صحبت می‌کنند. با این حال، کاهش کاربرد گویش در میان گروه سنی ۱۸ تا ۳۰ سال نشان می‌دهد که زنجیره انتقال بین‌نسلی در حال تضعیف است. این روند در صورت تداوم می‌تواند در آینده به کاهش دامنه کاربرد گویش و در نهایت فرسایش تدریجی آن منجر شود.

در مقابل، استفاده محدود در محیط‌های رسمی نشان‌دهنده نگرش منفی یا فشار اجتماعی نسبت به کاربرد گویش در موقعیت‌های رسمی است. افراد در محیط‌های رسمی به علت نزدیک شدن به زبان معیار از گویش خاص منطقه استفاده نمی‌کنند.

جدول ۲: انتقال بین‌نسلی گویش نهاوندی در سنین مختلف

میزان استفاده کم	میزان استفاده متوسط	میزان استفاده بالا	گروه سنی
۳۷٪	۴۱٪	۲۲٪	۱۸-۳۰ سال
۱۶٪	۳۶٪	۴۸٪	۳۱-۵۰ سال
۷٪	۲۲٪	۷۱٪	بالای ۵۰ سال

داده‌ها نشان می‌دهد هرچه سن افزایش می‌یابد، میزان استفاده از گویش بیشتر می‌شود. این روند بیانگر کاهش انتقال بین‌نسلی و تهدید تدریجی گویش در نسل‌های جوان‌تر است. همان‌گونه که در بخش مبانی نظری ذکر شد، بورديو (۱۹۹۱) زبان را نوعی «سرمایه نمادین» می‌داند که می‌تواند برای افراد منزلت اجتماعی، قدرت و فرصت‌های اقتصادی ایجاد کند. از دیدگاه او، ارزش هر زبان یا گویش به جایگاه اجتماعی آن در جامعه بستگی دارد؛ بنابراین، افرادی که به زبان‌های دارای اعتبار بیشتر تسلط دارند، از مزایای اجتماعی و فرهنگی بیشتری برخوردار می‌شوند (بورديو، ۱۹۹۱). تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی نقش دوگانه‌ای در سرنوشت گویش نهاوندی دارند. از یک سو، غلبه محتوای فارسی معیار موجب کاهش مواجهه نسل جوان با گویش محلی شده است؛ اما از سوی دیگر، رسانه‌های دیجیتال می‌توانند فرصت مناسبی برای مستندسازی و بازتولید گویش فراهم کنند. تجربه بسیاری از جوامع محلی در جهان نشان داده است که تولید محتوای چندرسانه‌ای به زبان‌ها و گویش‌های بومی می‌تواند به احیای تدریجی آن‌ها کمک کند.

جدول ۳: رویکرد میراث ناملموس - درصد فراوانی کاربرد گویش در محیط رسمی

درصد	فراوانی	نگرش
۲۹٪	۵۸	مثبت
۳۲٪	۶۴	خنثی
۳۹٪	۷۸	منفی

وجود ۳۹٪ نگرش منفی نشان می‌دهد که بخش گسترده‌ای از جامعه، گویش را برای موقعیت‌های رسمی مناسب نمی‌داند. از منظر سرمایه نمادین بورديو (۱۹۹۱)، زبان‌ها و گویش‌ها در ساختار اجتماعی دارای ارزش و اعتبار متفاوتی هستند. بر اساس یونسکو، زبان‌ها بخشی از میراث فرهنگی ناملموس جوامع هستند و نقش مهمی در انتقال دانش، ارزش‌ها، سنت‌ها و هویت فرهنگی دارند. در کنوانسیون ۲۰۰۳ یونسکو، حفاظت از میراث ناملموس شامل حمایت از زبان‌ها به‌عنوان حامل فرهنگ و دانش بومی مورد تأکید قرار گرفته است. تحلیل داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که بخشی از پاسخ‌گویان استفاده از گویش نهاوندی را در محیط‌های رسمی مناسب نمی‌دانند. این نگرش را می‌توان در چارچوب نظریه بورديو تبیین کرد؛ زیرا زبان معیار فارسی در بسیاری از موقعیت‌های رسمی از مشروعیت اجتماعی بیشتری برخوردار است و در نتیجه برخی گویشوران برای کسب منزلت اجتماعی ترجیح می‌دهند از زبان معیار استفاده کنند. این نگرش یکی از عوامل اصلی تضعیف کاربرد گویش در نسل جدید محسوب می‌شود.

باتوجه به پیشینه تاریخی شهر نهاوند و نقش آن در تحولات تاریخی ایران، بسیاری از ساختارهای واژگانی این گویش بازتابی از لایه‌های تاریخی و فرهنگی منطقه هستند که به خاطر رسانه ملی و آموزش در حال از بین رفتن است. البته در بسیار از مکان‌های رسمی حتی در شهر نهاوند مخصوصاً جوان‌ها به لحاظ کسر شأن بودن از گویش نهاوندی استفاده نمی‌کنند.

بر اساس مطالعه نویسنده و بررسی‌های انجام شده، نتایج نشان می‌دهد:

- گویش نهاوندی در محیط خانوادگی پایدارتر است.
- کاهش انتقال بین‌نسلی تهدید جدی محسوب می‌شود.
- نگرش اجتماعی نقش تعیین‌کننده در تداوم یا تضعیف گویش دارد.
- گویش نهاوندی حامل بخش مهمی از میراث فرهنگی ناملموس است.

۵. نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که گویش‌ها نقش مؤثری در بازتاب و انتقال میراث فرهنگی و تاریخی اقوام ایفا می‌کنند. یافته‌ها را می‌توان در چند محور دسته‌بندی کرد:

بازتاب تاریخ و تحولات اجتماعی بسیاری از واژگان و اصطلاحات گویش‌ها به رویدادهای تاریخی، تغییرات اجتماعی و شیوه‌های معیشت گذشته اشاره دارند. برای مثال، واژه‌هایی که مرتبط با کشاورزی، دامداری یا تجارت محلی هستند، نشان می‌دهند که این گویش‌ها حامل اطلاعاتی درباره سبک زندگی و ساختار اقتصادی جوامع گذشته‌اند. باورها و ارزش‌های فرهنگی تحلیل معنایی اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های محلی بیان‌کننده این هستند که گویش‌ها بازتاب‌دهنده باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های اخلاقی و اجتماعی جامعه محسوب می‌شوند. این یافته‌ها تأکید می‌کند که گویش‌ها نه تنها ابزار ارتباطی، بلکه رسانه‌ای برای انتقال فرهنگ و هنجارهای اجتماعی نیز محسوب می‌شوند. نقش گویش‌ها در هویت فرهنگی و اجتماعی گویش‌ها به‌عنوان نشانه‌های هویت جمعی و فرهنگی، موجب تمایز گروه‌های قومی و جغرافیایی شده و حفظ آن‌ها به‌عنوان میراث زبانی، نقش مهمی در تقویت هویت محلی و ملی ایفا می‌کند. همچنین، تفاوت‌های گویشی میان مناطق مختلف نشان می‌دهد که زبان به‌عنوان یک حافظه تاریخی عمل می‌کند و اطلاعات فرهنگی و اجتماعی را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کند.

پژوهش حاضر حاکی از آن است که گویش نهاوندی نه تنها یک ابزار ارتباطی، بلکه بخشی از میراث فرهنگی ناملموس محسوب می‌شود. مطابق با دیدگاه‌های مطرح‌شده توسط یونسکو، زبان‌ها و گویش‌ها نقش بنیادین در حفظ تنوع فرهنگی دارند. همچنین یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که گویش نهاوندی فراتر از یک ابزار ارتباطی روزمره عمل می‌کند و در واقع بخشی از حافظه فرهنگی و تاریخی جامعه محلی محسوب می‌شود. نتایج به‌دست‌آمده از مصاحبه با گویشوران نشان می‌دهد که بسیاری از عناصر فرهنگی نظیر آداب و رسوم، آیین‌های سنتی، روایت‌های شفاهی، ضرب‌المثل‌ها و دانش بومی تنها در بستر گویش محلی قابلیت انتقال کامل دارند. این موضوع با دیدگاه مردم‌نگاری زبان همخوانی دارد که زبان را بخشی از نظام فرهنگی جامعه می‌داند.

از منظر میراث فرهنگی ناملموس نیز گویش نهاوندی حامل مجموعه‌ای از دانش‌های بومی است. بخش مهمی از واژگان مرتبط با کشاورزی، دامداری، شرایط اقلیمی و مناسبات خویشاوندی در این گویش ریشه در شیوه‌های معیشتی تاریخی منطقه دارد. از این رو نابودی تدریجی گویش صرفاً به معنای از دست رفتن مجموعه‌ای از واژه‌ها نیست، بلکه موجب حذف بخشی از حافظه تاریخی و فرهنگی جامعه نیز خواهد شد.

با توجه به پیشینه تاریخی نهاوند به‌عنوان یکی از مراکز مهم تحولات تاریخی غرب ایران، می‌توان گفت که گویش محلی این منطقه بازتابی از تعاملات فرهنگی، مهاجرت‌ها و تحولات اجتماعی چندین سده گذشته است. بنابراین حفظ

این گویش نه تنها اقدامی در جهت صیانت از تنوع زبانی، بلکه گامی در راستای حفاظت از میراث تاریخی و فرهنگی کشور محسوب می‌شود. در عین حال، یافته‌های پژوهش مشخص می‌کند که وضعیت کنونی گویش نهاوندی با چالش‌هایی جدی روبه‌رو است. اگرچه این گویش همچنان در میان نسل سالمند از پایداری و کارکرد مناسبی برخوردار است، اما انتقال بین‌نسلی آن به شدت تضعیف شده است. کاهش استفاده از گویش در خانواده، گسترش آموزش رسمی به زبان معیار، نفوذ رسانه‌های جمعی، شهرنشینی، تغییر سبک زندگی و نگرش‌های اجتماعی که گاه گویش محلی را کم‌اعتبارتر از زبان معیار تلقی می‌کنند، از مهم‌ترین عوامل کاهش کاربرد این گویش در میان نسل‌های جوان به شمار می‌روند. استمرار این روند می‌تواند در آینده به کاهش شمار گویشوران فعال و در نهایت فرسایش تدریجی این میراث زبانی بینجامد.

۶. پیشنهادهای کاربردی

حفاظت از گویش نهاوندی مستلزم برنامه‌ریزی فرهنگی و آموزشی هدفمند است. ثبت و مستندسازی واژگان، اصطلاحات، داستان‌ها و ادبیات شفاهی، تدوین فرهنگ لغت و دستور گویش، حمایت از پژوهش‌های زبان‌شناختی، بهره‌گیری از رسانه‌های محلی، تولید محتوای آموزشی و فرهنگی، تشویق خانواده‌ها به استفاده از گویش در محیط خانه و گنجاندن موضوع تنوع زبانی در برنامه‌های فرهنگی می‌تواند نقش مؤثری در حفظ و احیای این گویش داشته باشد. در مجموع، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که گویش نهاوندی علاوه بر ارزش زبان‌شناختی، دارای اهمیت تاریخی، فرهنگی، هویتی و مردم‌شناختی است و حفظ آن، حفظ بخشی از سرمایه فرهنگی و میراث ناملموس ایران محسوب می‌شود. از این رو، صیانت از این گویش تنها مسئولیت گویشوران محلی نیست، بلکه نیازمند همکاری نهادهای فرهنگی، آموزشی، پژوهشی و سیاست‌گذاران حوزه میراث فرهنگی است تا این میراث ارزشمند برای نسل‌های آینده حفظ و به آن‌ها منتقل شود. نگارنده موارد ذیل را براساس پژوهشی که در مورد گویش نهاوندی انجام داده است به‌عنوان پیشنهاد کاربردی جهت غنای گویش نهاوندی پیشنهاد می‌دهد:

- آموزش غیررسمی در مدارس
- برگزاری کارگاه‌های آشنایی با گویش محلی
- مستندسازی علمی
- ثبت واژگان، اصطلاحات و روایت‌های شفاهی در قالب کتاب و بانک اطلاعاتی
- تولید محتوای رسانه‌ای محلی با ایجاد پادکست‌های بومی، برنامه‌های محلی، صفحات مجازی به گویش نهاوندی
- تقویت نقش خانواده
- تشویق والدین به استفاده فعال از گویش در محیط خانه
- برگزاری جشنواره‌های فرهنگی
- برگزاری جشنواره‌های داستان‌گویی و شعر محلی

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسنده اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت کرده است.

تعارض منافع

بر مبنای اظهار نظر نگارنده این مقاله تعارض منافع ندارد.

منابع

- حسن دوست، محمد (۱۳۹۲). فرهنگ تطبیقی-موضوعی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو (جلد ۱). تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- رستمی، محمد (۱۳۸۸). گویش نهاوندی: بررسی زبان‌شناختی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۸۸). تاریخ زبان‌های ایرانی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- Bourdieu, P. (1991). *Language and Symbolic Power*. Cambridge: Harvard University Press.
- Crystal, D. (2000). *Language Death*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Fishman, J. A. (1991). *Reversing Language Shift: Theoretical and Empirical Foundations of Assistance to Threatened Languages*. Clevedon: Multilingual Matters.
- Hasandoost, M. (2013). *A Comparative-Thematic Dictionary of Modern Iranian Languages and Dialects*. (Vol. 1). Tehran: Academy of Persian Language and Literature. [In Persian]
- Labov, W. (1972). *Sociolinguistic Patterns*. Philadelphia, Pennsylvania: University of Pennsylvania Press.
- Rezaei Baghbidi, H. (2009). *The History of Iranian Languages*. Tehran: SAMT. [In Persian]
- Rostami, M. (2009). *Nahavandi Dialect: Linguistic Study*. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
- Trudgill, P. (1991). Language maintenance and language shift: Preservation versus extinction. *International Journal of Applied Linguistics*, 1(1), 61–69.
- (2000). *Sociolinguistics: An introduction to language and society* (4th Ed.). London: Penguin Books.